

مبانی حکمی اقتصاد و معیشت

«تأملاتی در باب کیفیات‌های اقتصادی در اسلام»

الر

حکیم سید عباس معارف

WWW.Ketab.ir

سرشناسه	: معارف، عباس، ۱۳۳۳ - ۱۳۸۱
عنوان و پدیدآوران	: میانی جگمی اقتصاد و معیشت: تأملاتی در باب رهیافت‌های اقتصادی در اسلام؛ تألیف عباس معارف...
مشخصات نشر	: آبادان: پریش، ۱۳۹۱
مشخصات ظاهری	: ۳۸۴ ص. -
فروست	: مجموعه فریدیه: کتاب چهارم
شابک	: ISBN 978 - 964 - 8687 - 88 - 0
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا.
یادداشت	: کتاب حاضر قبلاً تحت عنوان "میانی اقتصاد سیاسی و حقوقی در اسلام" در سال ۱۳۸۲ منتشر شده بود.
یادداشت	: کتابنامه
عنوان دیگر	: میانی اقتصاد سیاسی و حقوقی در اسلام
موضوع	: اسلام و اقتصاد
موضوع	: حقوق و اقتصاد.
موضوع	: اقتصاد
رده‌بندی کنگره	: BP۲۳۰ / م۶۵ م ۱۳۹۱
رده‌بندی دیویی	: ۲۹۷ / ۴۸۳۳
شماره کتابخانه ملی	: ۲۴۶۸۵۲۲



نشر پرسش

حکیم سید عباس معارف

مبانی حکمی اقتصاد و معیشت

«تأملاتی در باب رهیافت‌های اقتصادی در اسلام»

• حروفنگار: اعظم پناهی • لیتوگرافی پویا • چاپ: بی‌علی

• چاپ اول: ۱۳۹۱ • شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۶۸۷-۸۸-۰

© حق چاپ محفوظ است.

نشر پرسش - آبادان - پریم - میدان الفی - ساختمان اروند - تلفن ۰۹۱۳۳۰۹۲۱۰۶

نشانی مکاتبات پستی: نشر پرسش - اصفهان - صندوق پستی ۳۱۶ - ۸۱۷۳۵

فروشگاه: سی‌وسه‌پل - ابتدای چهارباغ بالا - مجتمع تجاری باران - واحد ۱۳ - C - تلفن ۶۶۷۲۴۵۲

E-mail: porsesh.pub@gmail.com

info@porsesh-pub.com

www.porsesh-pub.ir

فهرست مطالب

۱۳	سخن ناشر
۱۷	پیشگفتار
۱۹	درآمدی به حکمت تاریخ از منظر علم اقتصاد
۲۰	اسماء حق تعالی به سه قسم منقسم می‌شود
۲۶	پرستش و اُمت واحده آغاز تاریخ
۳۶	احتجاج انسانیت در پرستش خدایان شرک و طاغوت
۳۸	کاسموسانتريسم یونانی یا اصالت جهان
۳۹	تحریف دیانت مسیح
۴۱	اومانيسم و سوپرکتیویته
۴۱	منشأ نفسانیت در تاریخ
۴۴	مناسبات تولیدی در امت واحده
۵۸	خصایص اصلی شیوة تولید در اُمت واحده گذشته
۶۴	تلاشی اُمت واحده و صور گوناگون این تلاشی
۶۶	شیوة تولید آسیایی
۶۸	درباره زمان و مکان تدوین اوستا
۸۳	ذات متعارض تاریخ پس از دوره اُمت واحده
۹۵	پرستش طاغوت و صورت نوعی فرهنگ و مدنیت یونان و روم
۱۲۸	صور مختلف استعمار نو
۱۳۲	مبادی اساسی استعمار نو
۱۳۳	بُرهه‌های تاریخی پُست مدرن

- ۱۳۵ سرمایه‌داری دیرماند
- ۱۳۶ تقابل تولید صنعتی به شیوه سرمایه‌داری با محیط زیست
- ۱۳۷ اساس قرار گرفتن میلیتاریسم در سیاست بین‌الملل
- ۱۳۸ تعارض سیر علوم با متافیزیک جدید غرب
- ۱۴۱ آفت واحد سرانجام تاریخ
- ۱۴۴ جایگزینی سیاسی و اقتصادی مستضعفان
- ۱۴۵ تقسیم اموال به نحو تساوی
- ۱۴۶ استخلاف
- ۱۴۷ آشکار شدن تأویل تمام قرآن
- ۱۴۸ نسخ متافیزیک
- ۱۴۹ نسخ علوم مارن و پست‌مدرن و ظهور علم ماوراءجدید (ترانس‌مدرن)
- ۱۵۰ جایگزین شدن نسخ صور هنری گذشته با ابداع صور هنری جدید
- ۱۵۳ مناسبات تولیدی، کار، مالکیت و مبادله
- ۱۵۳ فصل اول: کار
- ۱۵۹ فصل دوم: ماهیت مالکیت
- ۱۶۰ امور اصلی / امور انتزاعی / امور اعتباری
- ۱۶۱ اعتبارات عام و اعتبارات خاص
- ۱۶۲ منشأ اعتبارات عام حقوقی و اقتصادی
- ۱۶۵ تاریخی بودن مالکیت
- ۱۶۷ عدم اعتبار مالکیت خصوصی در اسلام
- ۱۷۱ ۱. زمین
- ۱۷۴ ۲. ذخائر زیرزمینی و ثروتهای طبیعی
- ۱۷۵ ۳. مبادله
- ۱۷۷ ۴. استحقاق انسان نسبت به حاصل کار خود و حرمت کینز
- ۱۷۷ ۱. احقیقت اختصاصی و استحقاقی
- ۱۷۹ عدم اکتناز و نفی آن در سیره معصوم (ع)

۱۸۳ فصل سوم: مبادله
۱۸۴ سوداگری در دوره جدید
۱۸۹ صور مبادله
۱۹۳ صورت اساسی مبادله در دوره جدید
۱۹۴ عرضه و تقاضا
۲۰۳ عرضه و تقاضا در دوره جدید
۲۰۷ تورم چیست؟
۲۰۸ تورم به مثابه یکی از لوازم ذاتی نظام اقتصادی غرب
۲۱۰ تورمهای ماهوی و عارضی
۲۱۱ تورم ماهوی (اسانسیل) چیست؟
۲۱۳ احکام اولی و ثانوی حکومتی
۲۱۶ قاعده نفی سبیل
۲۲۰ قاعده نفی ضرر
۲۲۰ الف) مدرک و شرح الفاظ قاعده
۲۲۱ ب) در معنی الفاظ و مفاد حدیث
۲۲۱ ج) مفاد فقهی قاعده
۲۲۲ د) حکومت قاعده لاضرر بر ادلة احکام
۲۲۳ ه) تعارض دو ضرر
۲۲۵ قاعده لاضرر در قانون اساسی ایران
۲۲۵ قاعده نفی عُسر و حَرَج
۲۲۸ احکام ثانوی در قانونگذاری ایران
۲۳۰ احکام حکومتی
۲۳۱ اراضی
۲۲۵ ارض مکه و مدینه
۲۴۱ حکم ارض مدینه
۲۴۲ زمینهای مفتوح العنوه

۲۴۴	مناسبات اراضی در ایران
۲۴۹	مناسبات ارضی حاکم بر روم
۲۵۳	حکم اراضی مفتوحه
۲۵۷	انواع معیشت
۲۵۷	استنادات تاریخی - فقهی
۲۶۸	آثار عمومی شدن مالکیت اراضی در سرزمین‌های مفتوح
۲۶۸	الف) زوال نظام طبقاتی دوره ساسانی
۲۷۵	ب) توسعه شهرها و رشد علوم و فنون صنایع شهری
۲۷۸	زمین‌هایی که ملحق به زمین مفتوحه هستند
۲۷۹	اراضی طوع
۲۸۴	اراضی احیاء شده
۲۸۷	الف) اراضی موات
۲۹۸	آبها
۲۹۹	چاه‌ها
۳۰۰	معادن و جنگل‌ها
۳۰۲	بانکداری
۳۰۴	مختصری در باب تاریخ تأسیس بانک در ایران
۳۰۵	وضعیت کلی بانک‌ها قبل از انقلاب اسلامی
۳۰۷	صنعت
۳۱۲	ممنوعیت تملک میراث مشترک علمی انسان از سوی افراد
۳۱۵	ضرورت اجتناب از ترویج کینزگری
۳۱۶	ممنوع بودن تمرکز ثروت در دست گروهی محدود
۳۱۹	اقدامات بعد از انقلاب
۳۲۳	ضمیمه: طرح بسیج کار و اندیشه
۳۵۹	پیوست کتاب: گفتگو با مرحوم معارف
۳۶۹	نمایه‌های کتاب

اقتصاد و خودبنيادی

دُرست در هنگامه‌ای که اوضاع اقتصادِ عالم کنونی دستخوش طوفان و زلزله گشته و "مرکزیت" عالم مُدرن (اوپا، امریکا) دچار دلهره و هراس، پس‌لرزه‌های آن "پیرامون" را هم دربر گرفته است. این پس‌لرزه‌ها، به همراه بُغض فروخوردهٔ سالهاستم و نابرابری و دروغ و ریا، منجر به درهم شکستنِ اوضاعِ سیاسی - اجتماعی پیرامون گشته، چنان که مرکز را به سردرگمی و سرگیجه انداخته است. نظریه پردازانِ دموکراسی و جامعهٔ باز (برای مرکز) که نسخهٔ جامعهٔ بسته و وابسته را برای پیرامون تجویز می‌کردند، اکنون نسخه‌هایی می‌نویسند که هرآینه بدل به لویتانی خواهد شد که از روبه‌رو شدن با آن در هراسند؛ تو گویی آنان آینه گردانِ پرومته در دوزخ گشته‌اند؛ و چه دوزخی؟ دوزخ... اما سرد.

آتشِ سرمای این دوزخ، چنان است که مَهْد و مرکزیتِ سرمایه‌داری، آنجا که کعبهٔ آمال بسیاری از بخت‌برگشتگان و فلک‌زدگان پیرامونیان است، چنان و چو دستان را شعله‌ور کرده که برای نجات بازارِ به اصطلاح آزاد، و نجات سرمایه - و نه نجات اقتصاد و معیشتِ مردمان - دولت دست به دخالت در این بازار می‌زند و به سرمایه‌داران کمک مالی می‌کند و آنان را نجات می‌دهد.

در دیگر سوی این مرکز، آنجا که سودای ایالات متحدهٔ اروپا در سرمای پروراند، اوضاع آسفناکتر است؛ و از قضا سرکنگبین صفرافزوده. یورو، این سرکنگبین اروپایی که قرار بود از دل آن استقلال اروپای بعد از جنگ جهانی دوم سر برآورد، بدل به پاشنهٔ آشیل آنان گشته است؛ و در این میان، انگلیس که خرمگسِ معرکه میان اروپا و امریکاست، هم از توپره می‌برد، هم از آخور. آنان حيله گرتر از آنی بودند که همداستانِ یوروی اروپایی شوند.

اکنون دولت‌های رفاه اروپایی برای نجات از بحران، به میلیتاریسم خیرخواهانه و بشر دوستانه روی آورده‌اند. لیبی نمونه بارز آن است. آنان که چند صباحی پیشتر سرهنگ قذافی را در آغوش می‌فشرده و چشم بر منش و کردار و حکمرانی او بسته بودند، اکنون او را دیکتاتور نامیده‌اند. جناب سرهنگ دیگر تاریخ مصرفش پایان یافت.

اینهمه جان‌ستانی، نه از برای لقمه‌ای نان، که از پس آز و حرص (Eros) و میل سرمایه‌داران، سرمایه‌مداران، کینزداران و کتاسان گرگ‌پوی دوران کنونی ماست. آنان دیگر ایایی از تناقض و چندگانه‌انگاری و یک بام و چند هوا ندارند. آنان که از برگماشتن سیاست‌پیشگان دوزخ‌یاب و حقیر و بدنامی همچون برلوسکونی در ایتالیا، سارکوزی در فرانسه و پادوهای سیاسی همچون توی بلر و ... ایایی نداشتند، چنان به هراس افتاده‌اند که آنان را هم قربانی کردند، چرا که می‌داد سرمایه‌گذار (بخوانید سرمایه‌دار) آب در دلش تکان بخورد و برنجد:

در این میان اوضاع قوم ما، بحرانی‌تر از هر دورانی است. به جرئت باید گفت که وضع کنونی ما از وضع عباس میرزا در هنگامه جنگ‌های ایران و روس مخاطره‌آمیزتر است. در آن زمان سرزمین ایران فقط با جدایی بخش‌هایی از خاک خود روبه‌رو شد، اما اکنون با هجوم به مراتب بدتری روبه‌رویم؛ هجومی که مقدمه‌ای است برای تسلط کامل غرب بر منطقه ایران و قفقاز. مرکز، پرونده تسخیر هارتلند را در برابر خود گشوده دارد. این پرونده از قرن نوزدهم تا کنون برایش همپای "انجیل"، مقدس بوده است.^۱ شاید بزرگترین مسئله‌ای که در چنین اوضاع و احوالی ما را آسیب‌پذیرتر می‌نماید، مسئله اقتصاد باشد؛ اما در همین جا باید نخست از خودمان پرسیم که اقتصاد چیست؟ آیا در عالم کنونی چیزی به نام اقتصاد به ما هو اقتصاد وجود دارد؟ به ضرر قاطع باید گفت هرگز! چیست اقتصاد؟ آنچه که در وهله نخست در ذهن ما متبادر می‌شود، تلاش برای به دست آوردن لقمه‌ای نان برای سیر کردن شکم است، در این صورت باید پرسید این همه جنگ و خونریزی برای همین لقمه نان است؟ هرگز!

۱. بنگرید به گفتگوی مرحوم معارف با ماهنامه چشم‌انداز ایران، شماره ۱۳، که در بخش ضمیمه همین کتاب آورده‌ایم.

پس اقتصاد چیست؟ چیست آنچه بشر را به ورطه تاراج ربع مکون در انداخته است، تاراج نفت، مس، آهن، جنگل، دشت و... کشتار! کشتار هزاران انسان بی‌گناه در سرزمین‌های "پیرامون" برای رشد و شکوفایی اقتصاد؟ برای آسایش و رفاه مردمان عالم؟ هرگز! ترسیم وضع بشر و آنچه او در این دوران اقتصاد می‌نامد هیچ نیست مگر ریشه کن شدن آدمی به دست مرد منقر، او که هر روز بی‌خانمانتر و بی‌مأو‌تر از روز پیشین است:

فرد بشر (*das Man*) امروزه و در هر یک از روزهای خویش به روزنامه‌ای و اخباری برمی‌خورد مانند خبری که در ۱۰ مه ۱۹۸۹ تحت این عنوان آمده است: "از این جهنم سبز به شادمانی سرچه افزون‌تر برهوتی می‌خیزد: نابودی حاشیه جنگل‌ها... به کوتاه‌ترین زمان ممکن به طور اتماتیک رو به افزایش است. افزون بر ۴۰٪ از حاشیه جنگل‌ها در این بین از دست رفته‌اند در نایلند از ابتدای سالهای ۱۹۶۰ تا کنون تقریباً نیمی از جنگل‌ها، و در فیلیپین حتی بیش از نیمی از جنگل‌ها ویران شده‌اند. از بیشه‌های عظیم برزیل تا سال ۱۹۷۵ حدود ۵٪ و اما در ۱۹۸۸، ۱۲٪ از آنها از بین رفته‌اند. خسران سالانه این تخریب تا کنون بیش از حدود ۱۱ میلیون هکتار ذکر شده است - که در هر سال مطابق است با وسعت اتریش و یا به اندازه ۲۰ زمین فوتبال در دقیقه. این ارقام حاصل نظرسنجی اولیه‌ای است که سازمان تغذیه جهانی و اتحادیه ملل وابسته به آن فائو (FAO) آن را در سال ۱۹۸۲ انتشار داده است. هر سال بالغ بر ۷/۵ میلیون هکتار از جنگل‌ها و ۳/۸ میلیون هکتار از بیشه‌های پراکنده نابود می‌شوند، که آن را فائو با مددگرفتن از بهترین علوم و با صداقت کامل اعلام نموده است. ولی این آگاهی صرفاً نامشخص بوده و هست، و میزان این ویرانی به گونه‌هایی چند ناتمام و ناقص است. توجهات جدیدتر به حوزه‌های، تصویری بسیار تیره‌تر از این را ظاهر می‌سازد. فقط در محدوده آمازون برزیل در سال ۱۹۸۷ طبق این گزارش، حدود ۲۱ میلیون هکتار از جنگل‌ها نابود شده است، که ۸ میلیون هکتار آن پیش از آن هرگز پای بشر به آنجا نرسیده بود؛ در سال ۱۹۸۸ طبق اظهارات مؤسسه پژوهش‌های جهانی در برزیل ۲۰ میلیون هکتار از جنگل‌های بکر نابود شده است. و قطعاً این ارقام تخمینی هستند. ماهواره‌ها یا گرمای سطوح آتش گرفته را و یا وسعت توده ابرها را اندازه می‌گیرند و در این اثنا به نتایج متفاوتی می‌رسند."

میلیونها هکتار از زمین که در اینجا سال به سال و هرچه پُرشتابتر و به‌طور فزاینده تخریب شده‌اند، و این ویرانی کمربند نورانی به‌گرد زمین، و آلودگی اقیانوسها و رشد بی‌قاعده شهرهای بزرگ - که اینهمه در پایان قرن بیستم با این جمله کوتاه هیدرگر نمود می‌یابد: "تهاجم حاکم است" - و به‌منظور عرضه شناختی مناسب از حقیقت مخاطره‌بار آن هنوز اقدامی بایسته نشده است. اساساً در اینجا فلسفه نیچه است که دقیقاً روندی تاریخی - عالمان را پیشگویی کرده است: "برهوت سر برآورده است"، و این کلام هیدرگر در باب "سترونی"، "انهادگی وجود"، که هیأتی نمودپذیر را در پایان سده بیستم به‌ما ارائه می‌دهد. مقاله فوق درباره تخریب جنگل‌ها چنین ادامه می‌یابد:

"آن سرزمینی که به‌روی آن "جهنم سبز" خشماگین در حال خروش است، بدل به برهوت می‌شود. لیکن آدمیان بساط خود را در جایی دیگر می‌پراکنند، و قطعاتی دیگر را برای کشت مهیا می‌سازند."^۱

سرشت و سرنوشت این خودبنیاد، تا به کجا خواهد کشید؟ آنچه او با عنوان اقتصاد در پی کنز و کناسی است، ما را به کدام اوتوپیی رهشون است؟ ما پیرامونیان به کدام ریسمان، به کدام جبل‌متین چنگ خواهیم انداخت؟

محمد رنجبر

۱. به‌منقل از کتاب "نقادی هیدرگر بر ناسیونالیسم و تکنیک" سیلویو ویه‌تا، نشر پُرشش.

پیشگفتار

حکیم سید عباس معارف (ره) با استعانت از کلام الله مجید و کلام اولیاء الهی در طریقت حکمت اُنسی اُفقى گشود که او را قادر ساخت بسیاری از مسائل دنیای کنونی و عصر جدید را در این اُفق بگردان طرح و راه‌حل‌هایی نیز برایشان ارائه دهد.

نگاه او به مسائل عصر جدید در حوزه‌های مختلفی مانند سیاست، اقتصاد، حقوق، هنر، فلسفه، موسیقی، علم (فیزیک) فقه و اصول شاهدهی است بر این مدعا که تفکر این حکیم فرزانه، تفکر توحیدی و یگانه است و مصداق بارز این سخن حکیم معاصر آلمانی مارتین هایدگر، که می‌گفت:

«تفکر، خود را به یک اندیشه محدود کردن است که روزی همچون

ستاره‌ای در آسمان عالم پایدار می‌ایستد.»

وی از منظر حکمت اُنسی توانست برای بسیاری از مسائل عصر جدید در حوزه‌های مختلف علمی و معرفتی پاسخ‌هایی در خور بیابد.

نگاه حکمی او به مقوله اقتصاد، از جمله اساسی‌ترین دغدغه‌های تفکر این حکیم اُنسی بوده است. او گرچه با فقر و درویشی اُنسی دیرینه داشت و فقر را فخر خود می‌دانست، اما هیچگاه تهیدستی، بی‌عدالتی و فقر اقتصادی را برای جوامع انسانی بر نمی‌تابید. او اقامه عدالت به معنای عام و عدالت اقتصادی به معنای خاص را تنها تفکر دینی و رواق دینت می‌دانست و می‌گفت:

«موضوعیت نفسانی و خودبنیادی، کُنه و باطن صورت نوعی غرب جدید است. این کُنه و باطن هرگاه در حوزه اقتصاد بروز کند، به صورت نظام اقتصادی کاپیتالیسم تجلی می‌کند و مناسبات بورژوازی برصفت ظهور اوست. به نظر می‌رسد، بیهوده نیست که دولت‌های بزرگ غربی تا این حد نسبت به خصوصی‌سازی و پیوستن به اقتصاد جهانی تعصب می‌ورزند و کشورهای جهان سوم را با ابزار مختلفی که دارند، از جمله بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول به سمت خصوصی‌سازی هرچه بیشتر سوق می‌دهند، زیرا نیک دریافته‌اند که در فرض اخیر، ثروت مجدداً از کشورهای جهان سوم خارج می‌شود و نهایتاً به بازگشت آن به خود خریدار - یعنی آمریکا و اروپای غربی - و در داخل کشورهای جهان سوم به افزایش فاصله میان طبقات غنی و فقیر منجر می‌شود.»

اثر حاضر قادر است پاسخگوی بسیاری از پرسش‌ها و شبهاتی باشد که امروزه از یکسو بر اثر فاصله گرفتن از اقتصاد اسلامی و از سوی دیگر نزدیکی به نظام سرمایه‌داری و ناکارآمدی این نظام در اذهان بسیاری از روشنفکران و دانش‌آموختگان ایجاد شده است.

کتاب حاضر می‌تواند ادامه مباحث مبادی حکمت اُنسی خوانده شود. چنانچه نسبت حکمت و اقتصاد به عنوان فصلی مشبع در همین کتاب به بحث نهاده شده است. از همین رو برای فهم عمیق اثر حاضر، مطالعه کتاب، نگاه‌های دوباره به مبادی حکمت اُنسی^۱ نیز پیشنهاد می‌شود.

اکبر جباری

۱. نگاه‌های دوباره به مبادی حکمت اُنسی، سید عباس معارف، نشر پرسش، ۱۳۹۱.